

دنیای پست مدرن و تعلیم و تربیت

کلیدواژه‌ها: پرسش‌های کیفیت یادگیری، یادگیری پست مدرن، تکنولوژی یادگیری

اشاره

در دنیای پست مدرن، امکان دادن به تفکر انتقادی، اساس هدف‌های آموزش و پرورش نسلی قرار می‌گیرد که بتواند در انتخاب‌های جدید دنیای فناوری، دستاوردهای مربوط‌تر و عملی‌تری برای زندگی عصر حاضر کسب کند. در چنین تفکری، لزوم به‌کارگیری فناوری در متن یادگیری و توأم‌سازی آن با زندگی روزمره را امکان‌پذیرتر می‌یابیم. برای دستیابی به این هدف، با مطرح شدن بحث پست مدرنیسم در آموزش و پرورش نیز، علاوه بر تغییر نوع یادگیری‌ها، شاید فیزیولوژی یادگیری نیز به‌علت درگیر شدن تدریجی لایه‌های فوقانی‌تر مغز در آن تغییر یابد. بدین ترتیب، به‌جای کمیت و میزان یادگیری، کیفیت و نوع یادگیری مد نظر قرار می‌گیرد. فرایند این تغییرات ایجاب می‌کند به‌جای کمک‌گیری از درس و برنامه‌ریزی درسی و کلاس و مدرسه و دستگاه عریض و طویل درگیر در آن، اقتصاد یادگیری به‌صورت یادگیری موضعی و هنگام نیاز، در هر نقطه از جهان و در هر شرایط کاری، ممکن شود. عملی شدن این امر بدان معنی خواهد بود که هر فرد بتواند از طریق شبکه‌های متنوع قابل‌گزینش از منابع و امکانات مستقیم علمی و اطلاعاتی موجود در جهان، به شکل‌های مختلف و لازم‌بهره‌گیری کند. توضیح مختصر این مهم موضوعی است که در مقاله حاضر مطرح می‌شود.

دنیای پست مدرن از دنیای دیگری صحبت می‌شود که بازماندهٔ جهان مدرن است. نگرش پست مدرن به نقدی می‌ماند که در برابر قصه‌های بزرگی که همیشه می‌خواهند برای همه چیز راه‌حلی کلی ارائه دهند، با بی‌اعتمادی برخورد می‌کنند. این همان چیزی است که شامل نظریه‌های علمی گذشته نیز می‌شود. در همین رابطه است

به‌طور کلی، با نحوهٔ فکری پست مدرن، یادگیری از هر نوعی با سازوکار خاص خود میسر می‌شود. سازوکار حاکم بر این نگرش، گزینه‌های بی‌شماری بر سر راه فراگیرندگان قرار می‌دهد که یادگیری از هر گونه به‌صورتی جدا از یادگیری از طریق تدریس و درس در مدرسه‌های سنتی صورت می‌گیرد. از نگاهی دیگر، در

که می‌بینیم از دیدگاه پست مدرن، اسطوره‌ها، باورها، اعتقادات، فرهنگ‌ها و حتی حرفه‌ها و مشاغل هم مشمول همین بی‌اعتمادی قرار می‌گیرند.

علت این امر بی‌اعتمادی به دستاوردهای فناوری دنیای مدرن است که در پست مدرنیسم بیشتر ملاحظه می‌شود. این بی‌اعتمادی به شکلی است که در شرایط حاضر، تفکر جدید پست مدرن می‌خواهد بداند چرا امروزه ما به جایی رسیده‌ایم که اکنون در آن قرار گرفته‌ایم؟ چرا نابسامانی‌های حاصل از دستاوردهای مدرنیسم ما را به اینجا رسانده است؟

چرا آن چیزهایی را که ما فکر می‌کردیم فناوری و علم برای ما به ارمان خواهد آورد، به خوبی حاصل نشده است؟ چرا به‌کارگیری فناوری در آموزش نیز ما را به سرمنزل مقصود نرسانده و این همه نابسامانی از انواع گوناگون برای ما پیش آورده است؟ شرایطی که امروزه ضررهایش شاید بیشتر از منافعی باشد.

از این لحاظ، پست مدرنیسم نگاهی انتقادآمیز بر تمدن مدرن دارد. اگر بخواهیم به چنین انتقادهایی ادامه دهیم، کاربرد آموخته‌های ما در شرایط فعلی عملاً چندان دوامی نمی‌آورد. در هر صورت، امروزه پست مدرنیسم دنیا را تغییر داده است. جریان تکنولوژی یادگیری نیز تابع همین دنیای پست مدرن است که به نوعی تحت فلسفه و نظریهٔ پست مدرنیسم، تغییراتی به خود داده است.

امروزه به‌جای اینکه بیشتر خواسته شود آموزش به‌صورت یک برنامهٔ درسی به جامعه ارائه شود و در خدمت معلم و آموزگار قرار گیرد، تلاش می‌شود روند دیگری در این رهگذر شکل گیرد. یعنی، به‌جای اینکه به طراحی آموزشی و اجرا و ارزیابی فرایند انتقال دانش



پست مدرنیسم قرن حاضر در امور مشکل زندگی، بیشتر از هر رشته دیگری بر موارد یادگیری، سیاست گذاری و تفکر انتقادی متمرکز می شود

فرایند برای ما به راحتی نمی تواند مشکل گشای محض زندگی عصر حاضر شود.

انسان امروزی به این نتیجه رسیده است که هدف از به کارگیری فناوری دیگر نمی تواند این باشد که فناوری را صرفاً در موضوع اطلاع رسانی یا انتقال اطلاعات به کار ببریم. در شرایط امروزی، تا می خواهیم اطلاعاتی بیاموزیم، متوجه می شویم که بخشی یا همه آن دستخوش تغییر، نوآوری و دگرگونی شده یا دامنه و گونه های مختلفی از دانش بر آن اضافه شده است (افضل نیا، ۱۳۷۲).

پس دیگر دلیلی برای حفظ و اندوخته ساختن، که از فعالیت های بخش های تحتانی مغز است، ضرورت پیدا نمی کند. از لحاظی هم بار این مشکل ترین بخش یادگیری، یعنی به خاطر سپردن آموخته ها و یادآوری آن ها، از مغز گرفته می شود تا بار اصلی مغز در یادگیری، بیشتر متوجه بخش های خلاق تر و متفکرانه تر که در سطوح فوقانی تر مغز قرار گرفته اند تمرکز یابد.

نمونه های متنوع تری تدارک دیده می شود تا انگیزه بیشتری ایجاد شود.

از این دیدگاه، جریان اصلی پست مدرنیسم در بستر و زمینه های تعلیم و تربیت به صورت ساختارگرایی و ساختن گرایی گسترش پیدا می کند. همین طور هم پست مدرنیسم قرن حاضر در امور مشکل زندگی، بیشتر از هر رشته دیگری بر موارد یادگیری، سیاست گذاری و تفکر انتقادی متمرکز می شود. پس این تحول انعکاسی است از زندگی که از دیدگاه «پست مدرنیسم» در آموزش و پرورش به وجود می آید.

پذیرش این موضوع نیز به معنی بهره گیری هرچه بیشتر از بی ثباتی و ناپایداری اطلاعات تلقی می شود؛ اطلاعاتی که در دنیای امروز دوام و بقایی برای آن نمی توان متصور بود. این هم به این معناست که دیگر سرعت های حاصل از مدرنیسم در ارتقای اطلاعات و راحتی دستیابی به منابع آن و ارزان شدن این

پرداخته شود، بیشتر بر تسلط بر فرایند آن گونه از یادگیری ها تمرکز می شود که خود موضوع یادگیری «چگونگی» را مد نظر قرار می دهند. در همین راستا هم چگونگی یادگیری را بیشتر مورد توجه قرار می دهند.

این موضوع که یادگیری چگونه بهتر صورت می گیرد و در نهایت شناخت افراد از واقعیات زندگی تغییر می یابد، امروزه بیش از هر زمان دیگری در صدر موضوعات آموزش و پرورش قرار گرفته است (Mercier, Goldman, & Booker, 2010).

به همین خاطر، از امکانات فناوری در امر یادگیری بیشتر استقبال می شود تا در امر یاددهی.

بنابراین، فناوری یادگیری بیشتر بر تغییر شناخت تکیه می کند تا تغییردهی رفتار که مبنای فلسفی فناوری آموزشی بوده است. از همین قرار نیز در فناوری یادگیری، امکانات انتخاب بیشتری فراهم می شود. در موضوعات و نحوه یادگیری،



- * منابع
۱. افضل نیا، م. ر. (در دست چاپ). تکنولوژی یادگیری. انتشارات سمت، تهران.
 ۲. افضل نیا، م. ر. (۱۳۷۲). آشنایی و طراحی مراکز یادگیری (چاپ ششم). انتشارات سمت، تهران.
 ۳. Mercier, E., Goldman, S. and Booker, A. (2010). Focusing on process: Evidence and Ideas to promote learning through the collaborative design process. In DiGiano, C., Goldman, S., Chorost, M. (eds.). Educating learning technology designers, New York and London: Routledge.